

شتر روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۹ شهریور ۱۴۰۰ • ۲۲ محرم ۱۴۴۲ • ۳۱ آگوست ۲۰۲۱

سال نوزدهم • شماره ۴۰۸۴ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ • اذان مغرب ۱۹:۵۲

اذان صبح فردا ۵:۰۹ • طلوع آفتاب ۶:۳۶

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌روا



یادداشت

روزهای تلخ و مسئله وام بانک

صورت‌ت زده‌ای درحال خفه‌شدن باشی، از کارمند مربوطه راجع به این وام تسهیلات که حداکثر ۲۰ میلیون تومان یعنی ۲۰۰ میلیون ریال بود، سؤال می‌کنی. کارمند مربوطه با لبخند گفت این وام نقدی نیست و باید کالا از یک شرکت که اسمش روی آگهی بود، بخرید و شرطش هم این است که حقوق و مستمری‌تان فلان قدر باشد و بعد از سر تا پا مرا برانداز کرد که چقدر مستمری می‌گیرم و اگر کمتر از آن مبلغ باشد، نه بانک رفاه به من وام تسهیلات می‌دهد و نه شرکت مربوطه که با بانک قرارداد دارد، قبول می‌کند. تا اینجا که مشکلی نبود؟ چرا بود! اولاً به کسانی که حقوقشان در حد نسبتاً بالاتری است که چه بالاتری، این وام تسهیلات را نمی‌دادند و من پیش خودم گفتم: بانک و شرکت مربوطه هنر کرده، باید نیازهای متقاضیان با درآمدهای پایین‌تر و مستمری طبق کمتر را تأمین کند. حال اصل قضیه را مطرح کنم. طبق قراردادی که با بانک بسته شده، نرخ تسهیلات ۱۵ درصد و مدت بازپرداخت آنها حداکثر ۳۶ ماه تعیین شد و بر اساس این قرارداد مبلغ قسط شش‌میلیون و ۹۹۷ هزار ریال بود که هرماه از حقوق باید کسر می‌شد. تا اینجا درست، هرماه که حقوق و مستمری از طریق تأمین اجتماعی به بانک رفاه شعبه مربوطه واریز می‌شد، مبلغ مذکور باید کسر می‌شد اما ظاهراً دوستان بانک بر سر می‌خواستند لطف کنند و خیلی سریع مبلغ را از حقوق برداشت نکنند. وقتی طبق مخارج هر فرد و خانواده‌ای، مبلغ دریافتی بانک به حداقل می‌رسد، قطعاً برای کسی که یک آب‌باریکه بازنشستگی دارد خیلی دشوار است که یک‌دفعه مبلغ زیادی به نسبت حقوق از درآمد ماهانه‌اش کم شود. ظاهراً هرقوت حقوق به حساب بانک و سرانجام مشتری واریز می‌شد، همان نرخ بهره ۱۵ درصد و مبلغی که اشاره شد کم می‌شود و بازنشسته‌ای که این

آن‌قدر بلا بر سرمان آوار است که سخن‌گفتن از وام و اینکه بانک رفاه چنین کرده و چنان می‌کند، برای ذهن پویای مخاطبانی که این یادداشت را می‌خوانند، شاید بی‌معنی به نظر برسد. آخر همان ضرب‌المثل قدیمی رستم و یک دست اسلحه است اما رستم کجا بود؛ یک بازنشسته به حاشیه رانده‌شده را مجسم کنید که دولت فیخیمه از هرنوعش اصولگرا، اصلاح‌طلب، چپ، راست، موافق بنفش، موافق سبز او را رها کرده و از خود نمی‌داند... انکار کسی که این سطور را می‌نویسد از دنیا و مافیها بی‌خبر است سبز و بنفش کجا بود. در حال حاضر صحبت این است که قرار است همه مسائل حل شود؟ حال این بازنشسته باید از خود بپرسد تو چه‌کاره‌ای؟ چه‌کاره از این نظر که بازنشسته‌ای هستی که یک‌دفعه در ششم برج، سه‌میلیون تومان یعنی ۳۰ میلیون ریال ناقابل از حقوقت کسر می‌شود و تو برنامه‌ریزی کرده‌ای که با قیمت‌های نجومی فلان و بهمان، نرخ‌های مرغ، تخم‌مرغ، گوشت، هویج ناقابل، هندوانه‌ای که آب است، برنجی که چه عرض کنم، نان قوت لایموت چطور تا آخر برج صبر کنی و... می‌گویند داستان چیست؟ داستان این است در مورخه ۹۸/۶/۹ یعنی تقریباً دو سال پیش یک‌روز که خندان و شادان که نه، افسرده و نالان، به شعبه بانک رفاه مربوطه رفتی! یک آگهی بلندبالا که پشت سر متصدی تسهیلات بانک و همچنین روی شیشه نصب شده است، خوشبختانه آن موقع «کرونا» هنوز نبود که با ایما و اشاره و به خاطر ماسکی که به

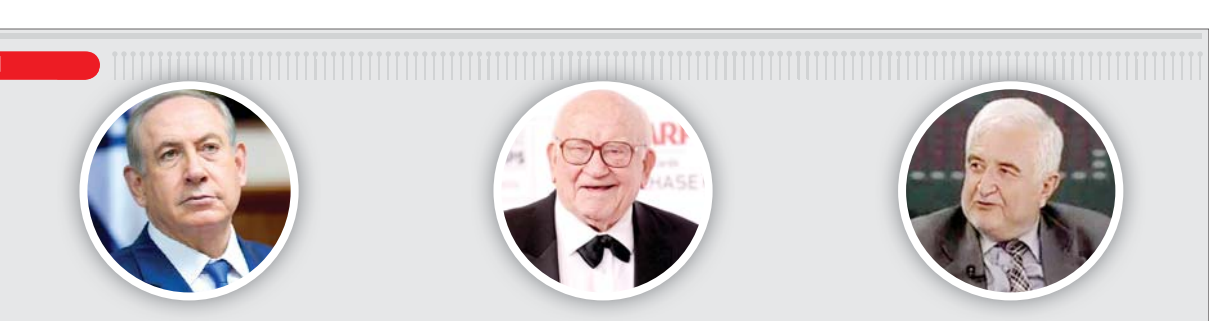
میثو بدیعی

نیاید سکوت کنیم

این روزها دو بازیگر سینمایی ایران بیش از دیگران درباره افغانستان می‌گویند: «فرشته حسینی» و «مرتضی امینی‌تبار». دو بازیگری که هر دو در ایران از پدر و مادری مهاجر متولد شده‌اند. فرشته حسینی در اینستاگرام خود طی این دو، سه هفته بارها از دختران و زنان افغان نوشته است. او در گفت‌وگو با نشریه «ورا» چاپ پریستان، گفته

است: «طالبان تغییر نکرده‌اند، آنها در حال کشتن مردم هستند». او در پاسخ به اینکه «چه اتفاقی برای مردم افغانستان و زنان و دختران خواهد افتاد؟» می‌گوید: «نیاید سکوت کنیم. باید در جای جای دنیا صدای خود را به گوش مردم دنیا برسانیم. صحبت‌کردن تأثیرگذار است. ما نباید به سکوت و فراموشی عادت کنیم». او با هشتگ نیاید با سکوت از تروریسم حمایت کرد، مطلبش را منتشر

پرنده آبی



بی‌بی‌سی: اسدالله ولوالجی، شاعر، نویسنده و تاریخ‌نگار معروف افغانستان، درگذشت. حسب ولوالجی، پسر ولوالجی فقید، در یک پیام کوتاه در فیس‌بوک درگذشت پدرش را تأیید کرده، اما درباره دلیل مرگ او جزئیاتی ارائه نکرده است. یک سال پیش، آقای ولوالجی بر اثر انفجاری در ولسوالی یغمان کابل، دختر و همسرش را از دست داد.

آسوشیتدپرس: «اد استرن»، بازیگر معروف و صدایشه آمریکایی درگذشت. «اد استرن» که در دوران حرفه‌ای خود هفت بار برنده جایزه امی شده است، بیشتر برای بازی در نقش «لو گرات»، روزنامه‌نگار معروف در دو سریال «ماری تایلر مور» و «لو گرات» و همچنین صدایشکسی در نقش آقای «فردریکسن» در انیمیشن «بالا» شناخته شده است.

ایسنا: سلویمت بارتینا فارگو، مشاور حقوقی دفتر نفتالی بنت گفت: بنیامین نتانیاهو و همسرش ساره نتانیاهو، باید بادهایی را که در دوره نخست‌وزیری‌اش به آنها داده بودند، پس بدهند. او افزود: گرفتن این هدایا نقض قانون است، چراکه متعلق به دولت هستند و وی باید با پایان دوره نخست‌وزیری‌اش آنها را پس می‌داد.

دغدغه‌های طبییانه

کرونا و طب سنتی

نرینز تحت‌الشعاع خود قرار خواهد داد و چه بسا جایزه نوبل پزشکی نیز به سازندگان آن اعطا شود. این موضوعی عجیب نبود. حداقل از رنسانس به این سمت انسان فهمیده است که کلید حل مشکلاتش در علم و تفکر علمی است و با علم است که می‌توان بر بیماری‌ها فائق آمده، پل و جاده و کارخانه بسازد، بحران‌های محیط‌زیستی مانند سیل و زلزله و از بین‌رفتن جنگل‌ها را مدیریت کند و هزار چیز دیگر که امروزه نمود آن را در کشورهای پیشرفته می‌بینیم. در کشوری مانند ما که از قافله تفکر علمی به دور است؛ اما متأسفانه داستان به راه دیگری رفت و در نهایت ما را به اینجا رساند که هرروزه باید شاهد آمار بسیار بالای فوتی‌ها باشیم؛ درحالی‌که می‌شد با مدیریت علمی مانع وقوع چنین فاجعه‌ای شد. موضوع صحبت من در یادداشت امروز درباره وضعیت طب سنتی در جامعه ایرانی و دخالت آن در فاجعه اخیر است. طب سنتی به معنای طب ایرانی یعنی آثار افرادی مانند زکریای رازی و ابن سینا و بهالذوله رازی جزء متون بالارزش بوده و افتخار ملی ما محسوب می‌شود، اما آنچه آن دانشمندان در کتب خود ارائه داده‌اند، با آنچه در سطح جامعه وجود دارد، بسیار متفاوت است. اگر هریک از این پزشکان بزرگ در زمان کنونی بودند، شک نداشته باشید که به بزرگ‌ترین طبییبان در حوزه پزشکی مدرن بدل می‌شدند. به

سخن دیگر روش کاری آنها اگر به‌درستی در ایران ادامه می‌یافت، درنهایت به همین پزشکی مدرن می‌رسید و آنها وقت خود را با انبوه مفاهیم غیر قابل درک که فقط در فضای سنتی توجیه می‌شوند، تلف نمی‌کردند. اگر طب ایرانی یا طب سنتی بخواهد در تفکر پزشکی امروز جایی داشته باشد، باید تن به رهیافت‌ها و متدهای علمی داده و ادعاهای خود را ثابت کند. این ثابت‌کردن نیز روش‌های مشخص علمی دارد که در تمام کارآزمایی‌های بالینی به کار می‌رود. متأسفانه چنین رویکردی در برابر طب سنتی ما اتخاذ نشده و حتی دانشکده‌های طب سنتی نیز آن‌طور که باید و شاید در این راستا گام برداشتند. این در حالی است که بعد از کرونا داروهای متعددی در حوزه طب سنتی بدون اینکه شاهدی مبنی بر تأثیرگذاری آنها وجود داشته باشد، مجوز گرفتند. در واقع رویکردی غیرعلمی در برخورد با ویروسی‌کشنده نیز به کار رفت و نتیجه همین چیزی شد که مشاهده می‌کنیم. امپدوار از این پس بازیگری‌ای اساسی در این موضوع صورت گیرد. روی صحبت ما با استادان دانشکده‌های طب سنتی است که عمدتاً پزشکی مدرن را نیز خوانده‌اند و با اصول علمی آشنا هستند. اگر تلاش خود را نکنند، آنچه میراث مکتوب این مملکت شمرده می‌شود، زیر بار سودجویی‌ها از بین خواهد رفت.

روزگار کرونایی

فرسایشی‌شدن پاندمی و مسئله «درمان» به‌جای «مراقبت»!

خدمات روان‌درمانی چیز لوکسی به شمار می‌رود. به‌رحال به نظر می‌رسد ما از ظرفیت‌ها و منابع موجودمان برای مهار این بیماری درست استفاده نکردیم. بعضاً با حرف‌های اشتباه موجب ناراحتی‌های بیشتر برای مردم در فشار شدیم. گفتن این حرف که کشورهای دیگر به دنبال روش‌های مقابله ما با کرونا هستند، درحالی‌که طبق آمار وزارت بهداشت روزانه ۴۰ هزار مورد ابتلای جدید در کشور ثبت می‌شود، خودش به تلهایی نشان‌دهنده وضعیت است. به‌رحال عدم تنظیم منابع در کنترل این بیماری منجر به این شده که شکاف جدی‌ای بین مردم و دولت به وجود بیاید و این شکاف نگران‌کننده است. از سوی دیگر تمهیداتی که اندیشیده شده هم تاکنون کمکی به بهبود اوضاع نکرده. تعطیل‌کردن کشور درحالی‌که شاهد ازدحام شدید روزانه در وسایل حمل‌ونقل عمومی هستیم، چه کمکی می‌تواند به کنترل بیماری کند؟ در پایان به نظر می‌آید باید عبور از این روزهای سخت از این چند ماه درس بگیریم و موارد زیر را مد نظر قرار دهیم:

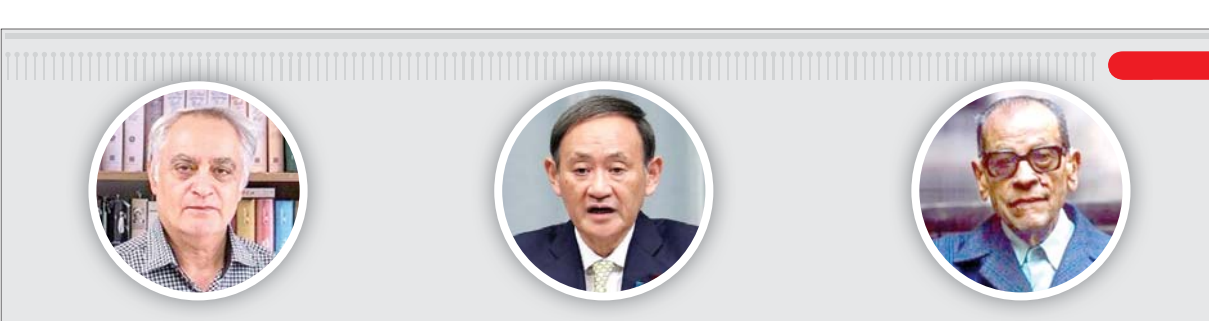
نخست اینکه ما نباید در برابر کرونا دوگانه رفتار کنیم. نکته دوم اینکه قدر زحمات کادر درمان را باید بدانیم. این قدردانی به معنی این نیست که کلای از آنها تشکر کنیم بلکه باید تدبیری بیندیشیم که اول فشار کاری آنها کم شود و بعد از ۲۰ ماه سخت بتوانند نفسی تازه کنند و دیگر اینکه امکانات آن‌چنان که شایسته است در اختیار آنها قرار بگیرد. سوم اینکه از مشاغلی که در این ۲۰ ماه آسیب دیدند، حمایت اقتصادی شود. همه مردم کارمند دولت نیستند که حقوق تضمین شده داشته باشند و باید از آنهایی که بر اثر این همه‌گیری کسب‌وکارشان آسیب دیده یا تعطیل شده حمایت کرد. مسئله بعدی اینکه ۸۵ میلیون نفر از شهروندان ایران یک‌سال و هشت‌ماه است که درگیر این بیماری هستند و بسیاری متأثر از این رویداد دچار مشکلات روحی شده‌اند و به خدمات مددکاری و روان‌شناسی نیاز دارند. نکته پنجم اینکه ما از ظرفیت‌های کشور به طرز که شایسته و بایسته است، استفاده نمی‌کنیم و فقط منتظر تذکرهای موردی برای حل مشکلات هستیم و به‌هیچ‌وجه یک ساماندهی مناسب برای استفاده از همه ظرفیت‌ها و نیروهای موجود در کشور نداریم. نکته پایانی اینکه تسریع دسترسی شهروندان ایرانی به واکسن، چیزی که بتواند ایمنی جمعی ایجاد کند و زندگی را به روال عادی بازگرداند.

واکسناسیون کرده‌اند، جایگاه مناسبی نداریم. در نظر بگیرید که کشور ما ظرفیت‌های قابل‌توجهی داشته که تا پیش از همه‌گیری کووید۱۹ آن را به یک قطب در پزشکی منطقه تبدیل کرده بود و از کشورهای همسایه بیماران زیادی برای درمان به ایران می‌آمدند. با چنین پیش‌زمینه‌ای بسیار ناراحت‌کننده است که با واکسن‌های بیشتر اهدایی از سوی برخی از کشورها ما کمتر از ۷.۵ میلیون نفر را با دو دوز واکسن واکسنه کرده باشیم که عدد قابل‌توجهی نیست.

اتفاقاتی هم در این میان رخ داده که بسیار جای تعجب دارد. گویی در ایران هیچ‌کس برای روزهای بحرانی آماده نیست و تا دستورالذی در مقام بالاتر نیاید، وظیفه خود نمی‌داند برای حل مسئله و مشکلات قدم بردارد. در همین ماه‌ها دیدیم طولانی‌شدن بیماری و عنان پاره‌کردن آن در برخی استان‌ها چه فاجיעی آفرید. سیستان‌ویلوچستان چه روزهای سختی را پشت‌سر گذاشت و مردم چه سختی‌هایی دیدند. تا رهبری دستور نداده بودند که از ظرفیت نیروهای نظامی استفاده شود، کسی برای سامان‌دادن به اوضاع ناراحت‌کننده پیشقدم نشده بود. درحالی‌که در بسیاری از کشورها از ظرفیت نیروهای نظامی برای کم‌کردن لوذ کارها روی کادر درمان استفاده شده و نتایج قابل‌قبولی هم حاصل شده بود. به‌رحال در نظر بگیرید که ۲۰ ماه است تنها به مردم توصیه می‌شود ماسک بزنند و فاصله اجتماعی را رعایت کنند. در این میان آیا دولت‌ها نباید کار دیگری غیر از این توصیه‌ها بکنند؟ با توجه به طولانی‌شدن ماجرای پاندمی مردم تا جایی که بتوانند از خودشان مراقبت می‌کنند اما دولت‌ها آیا به مردم کمکی کرده‌اند؟ آیا تنها با مراقبت می‌توان کرونا را شکست داد؟ آیا نباید به دنبال درمان در کنار مراقبت می‌بودند؟ دولت‌ها در این مدت از شهروندانی که مشاغل خود را از دست داده‌اند، چه حمایتی کردند؟ چه میزان تلاش کردند تا در لایه‌های بعد از شهروندان‌شان حمایت‌های فرهنگی، اجتماعی و مددکاری انجام بدهند تا سختی ۲۰ ماه در خانه ماندن، فشار اقتصادی، بیماری و احتمالاً ازدست‌دادن عزیزان‌شان را قابل تحمل‌تر کنند. مقایسه میزان کمک‌هایی که سایر دولت‌های جهان از شهروندان‌شان در برابر کرونا انجام داده‌اند، با اقداماتی که در ایران صورت گرفته نشان می‌دهد که در کشورمان فقط روی ارائه خدمات بهداشتی و درمانی آن‌هم به مبتلایان به کووید۱۹ تمرکز شده است. حتی در مسئله‌ای مثل تزریق واکسن هم ما نسبت به نزدیک به صد کشوری که شروع به انجام

تلاش‌هایی که کادر درمان در حدود یک‌سال و هشت‌ماه گذشته انجام دادند، ستودنی است. به‌عنوان یک شهروند دستشان را می‌بوسم. تلاش‌هایی که آنها انجام دادند، اصلاً قابل‌بیان نیست. بسیار ارزشمند و دلسوزانه وارد میدان شدند و انجام وظیفه کردند. در بسیاری از بیمایش‌هایی که در این سال‌ها درباره میزان اعتماد ایرانیان به مسائل مختلف صورت گرفته و حداقل در چند موردی که من در جریانش قرار داشتم و دارم همیشه پزشکان در رده نخست گروه‌های مورد اعتماد مردم بودند و می‌بینیم که این اعتماد هم بی‌دلیل نبوده و در چنین بزنگاهی به‌خوبی خودش را نشان داده است. آن‌هم در دوره و زمانه‌ای که اعتماد کالای کمیابی شده است.

به نظر می‌رسد ما کمی دچار اعوجاج رفتاری و تصمیم‌گیری شده‌ایم. درست است که مردم باید پروتکل‌های اصلی مراقبتی و خودمراقبتی را رعایت نکنند. اما آیا نباید در کنار توصیه به ماسک‌زدن و رعایت فاصله اجتماعی کار دیگری هم کرد؟ به‌رحال در نظر بگیرید که ۲۰ ماه است تنها به مردم توصیه می‌شود ماسک بزنند و فاصله اجتماعی را رعایت کنند. در این میان آیا دولت‌ها نباید کار دیگری غیر از این توصیه‌ها بکنند؟ با توجه به طولانی‌شدن ماجرای پاندمی مردم تا جایی که بتوانند از خودشان مراقبت می‌کنند اما دولت‌ها آیا به مردم کمکی کرده‌اند؟ آیا تنها با مراقبت می‌توان کرونا را شکست داد؟ آیا نباید به دنبال درمان در کنار مراقبت می‌بودند؟ دولت‌ها در این مدت از شهروندانی که مشاغل خود را از دست داده‌اند، چه حمایتی کردند؟ چه میزان تلاش کردند تا در لایه‌های بعد از شهروندان‌شان حمایت‌های فرهنگی، اجتماعی و مددکاری انجام بدهند تا سختی ۲۰ ماه در خانه ماندن، فشار اقتصادی، بیماری و احتمالاً ازدست‌دادن عزیزان‌شان را قابل تحمل‌تر کنند. مقایسه میزان کمک‌هایی که سایر دولت‌های جهان از شهروندان‌شان در برابر کرونا انجام داده‌اند، با اقداماتی که در ایران صورت گرفته نشان می‌دهد که در کشورمان فقط روی ارائه خدمات بهداشتی و درمانی آن‌هم به مبتلایان به کووید۱۹ تمرکز شده است. حتی در مسئله‌ای مثل تزریق واکسن هم ما نسبت به نزدیک به صد کشوری که شروع به انجام



ایناس: وزیر فرهنگ مصر اعلام کرد: به مناسبت پانزدهمین سالگرد درگذشت نجیب محفوظ، بازدید از موزه محفوظ از تاریخ ۳۰ آگوست به مدت یک هفته برای بازدیدکنندگان رایگان خواهد بود. فتحی، رئیس صندوق توسعه فرهنگی نیز اعلام کرد به همین مناسبت برنامه‌هایی برای بزرگداشت این نویسنده مصری که توانسته بود جایزه نوبل ادبی را از آن خود کند، در هفته اول سپتامبر برگزار خواهد شد.

مهر: علی‌اکبر نجبرکرمانی، تاریخ‌پژوه ایران معاصر که در روزهای اخیر به دلیل ابتلا به بیماری کرونا در بستر بیماری بود، درافانی را وداع گفت. از این محقق تاریخ معاصر کتاب «مسی به رنگ شفق؛ خاطرات سیدکاظم موسوی‌بخوردی» و «عزت شیعۀ؛ تاریخ شفاهی زندگی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آیت‌الله امام‌موسی صدر، به جا مانده است.